

متن پرسش

سلام ای رود رونده! سلام ای چشمان منتظر و خسته! سلام ای برادر، ای دوست و ای همسایه. ای برادر غزه‌ای! ای که ایستادنت کوه‌ها را در هم شکست و چشمانت انسانیت هر انسانی را به یاد آورد و دستانت غیرت و شجاعت و شهامت را، خونت آب کرد و زنده کرد قلب هر مرده را. و پاهایت، عزم را به یادمان آورد. شما مظهر ظهور آخرین انسانید. شما مصداق تمام: «مَنْ عَشِقْتُهُ، قَتَلْتُهُ و مَنْ قَتَلْتُهُ، فَعَلَىٰ دِيْنُهُ و مَنْ عَلَىٰ دِيْنُهُ، فَأَنَا دِيْنُهُ» هستید. شما معشوق اویید و بدانید که خونتان بهایی دارد و بهایش در نزد اوست و او خود را، خون‌بهایتان دیده. شما پاره‌های وجود هر مسلمانید. شما عروج مسیح‌گونه عیسی و عصای موسی راهگشای تاریخ و قرآن ناطق هر انسانید. شما همسنگران حضرت نوح‌اید، شأن دوباره نزول قصه او، یعنی: «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوْحَيْنَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ» کشتی‌تان را چه خوب ساختید در پیش چشمانش و به آب انداختید، و او چه خوب دید. و آری! هر آن‌کس که همسفرتان شد، چشمانش، راه آینده را یافت و دستانش، آغوش قائم را و قلبش، توحید امام را. کجا بودید؟ چه کردید؟ چگونه بودید که هر انسان را به انتخاب کربلایی‌شدن کشانیدید؟! شما ألفت دوباره اسلامید و وحدت دوباره مدینه محمد. ای انسان فلسطینی! ای که بر عریکه تاریخ ایستاده‌ای و عاشقانه و عارفانه بر ترک تاریخ می‌تازی! دستان ما را هم بگیر که قلب هر انسان را به طلب «بودن» در جای خود کشانیدی، قلب ما را مشتاق حضور دوباره عرشی سردار بی‌دست‌مان حاج قاسم. راستی را!! چه شد؟ چه شد که همسنگری با شما، افق حیات هر مسلمانی و افق حرکت امام ما شد؟ چه شد که ناگهان خانه به دوش، بر قلب همه ما سفره انداختید؟! چه شد که سربازان خمینی با راه قدس از کربلا می‌گذرد عزم می‌یافتند و با سینه ستبر راه شما را می‌جستند؟! دل‌های ما همه مشتاق دوباره صلاة در قبله اول مسلمین، «قدس» است تا در تاریکه بیابان جهان امروز سرآغاز خود را بجوییم. پس بخوان به نام الله! و سینه‌ات را ستبر کن، و عزم‌های سست را تیره و تار، و خانه‌های عنکبوت را محو، و بنای دوباره عهد از یاد رفته انسان امروز را، تازه کن. و شما ای زنان و مادران فلسطینی! زینب‌گونه جان فرزندان و همسران و برادران‌تان را در کف سینی قلب بگذارید و کاخ یهودیان را فرو ریزید، که مکر یهودیان را تنها مادرانگی شما آشکار و به هم می‌ریزد. بخوانید: به نام فاطمه، سمیه، خدیجه و زینب، و کاخ هر ظالم را با زبان ستبرتان فرو ریزید، و با این زبان، قلب هر انسان را به کربلای خود بخوانید، و امت خواب‌زده آخر الزمانی را به امتحان کوفی و کربلایی بکشانید. خوشا بر شما! و وای بر ما خواب‌زدگان بازی روزمزه شهر و شهرنشینان دهکده سرد و خشک جهان امروز. خوشا بزم شیرین‌تان، گوارای‌تان، چشمان‌تان بیدار و دل‌هایتان روشن و دستان‌تان پر توان. به

امید دوش به دوش شما عرشیان ایستادن و نماز فطر گزاردن در قدس شریف. انشالله سنصلی فالقدس.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر اندازه بخواهم در استقبال سخنان شما سخنی گفته باشم؛ نمی‌توانم حق این کلمات را ادا کنم. خطاب به شهدای غزه فرمودید: خون‌های‌شان بهایی دارد که بهای آن‌ها نزد حضرت حق است. آری! این خون نه تنها یک بها، که قرارگرفتن در آغوش خداوند است، بلکه بهای زیادی دارد که اولین آن رسواکردن یک تاریخ دروغ به جهانیان از طریق فرهنگ نژادپرست غربی است. ما غرب را از طریق جنایات اسرائیل و پشتیبانی سران غربی شناختیم.

فرمودید که شهدا و مردم صبور غزه، پاره‌های وجود هر مسلمانی هستند. حقیقتاً همین است گویا ما داشتیم خود را و جهانی که از طریق شهدای‌مان در مقابل‌مان گشوده شده بود، فراموش می‌کردیم و این صبر و توکل مردم غزه بود که ما را باز به یاد خودمان آورد و این‌که جهان ما چه اندازه بزرگ‌تر از جهانی است که غرب در مقابل غرب‌زدگان و اسلام متحجرین در مقابل مقدسان بی‌تاریخ گشوده است. فرمودید هر آن کس که همسفر شهدا و مردم صبور غزه باشد، چشمانش راه آینده را یافته است. آری! در همین رابطه رهبر بصیر انقلاب متذکر می‌شوند که راه آینده، راه فلسطین است و این حکایت تفکر تاریخی ارزشمندی است. می‌فرمایید با نظر به حضوری که نسبت به اقامه نماز در قبله اول مسلمین داریم می‌توانیم در تاریخ‌خانه بیابان جهان امروز، سرآغاز خود را بجوییم. آری! حقیقتاً ما در سرآغازی قرار گرفته‌ایم که به هر قیمتی که هست در غزه، با روحیه صبر و توکل آن مردم شروع شده است، وگرنه گرفتار بلای بی‌تاریخی خواهیم شد. ما در شرایط ظهور بینه‌ای هستیم که تمام معنای اسلام را به میان آورده است.

به هر حال تنها می‌توان گفت چه اندازه این سخنان که از عمق جان‌تان و بر اساس فهم تاریخی‌تان بر زبان آوردید؛ سخن همه ما هست که خطاب به مردمان صبور غزه می‌فرمایید: «شما الفت دوباره اسلام هستید» به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب در ملاقات با شیخ ابراهیم زکزاکی فرمودند: «امروز یکی از مظاهر قدرت اسلام همین مسائل است که در فلسطین در حال روی‌دادن است... قدرت باورنکردنی اسلام در فلسطین».

حال می‌فهمیم چگونه انسان‌ها می‌توانند ذیل اسلام در این تاریخ نه‌تنها خود را معنا کنند، بلکه معناها بیافرینند و زندگی گمشده در بی‌معنایی را که اسرائیل نماد آن است، به سُخره بگیرند. اگر واقعیت زندگی بدون تاریخ نیست، زندگی در این زمانه حضور در تاریخی است که ذیل انقلاب اسلامی در فلسطین با صبر و توکل آن‌ها در حال شکل‌گیری است تا بشر جدید متوجه شود بدون تفسیر قدسی و دینی از جهان، عملاً گرفتار بی‌تاریخی و پوچی می‌شود که اسرائیل، نماد آن است. موفق باشید

